

۳۱۰/۱۷۸۹هـ

آقای سیدعلی خاتمی  
ت محترم دفتر ریاست جمهور

بصوبه در خصوص تجمیع پردیس دانشگاه علامه طباطبایی در خارج از مجموعه شهری تهران

احتراماً، بازگشت به نامه شماره ۲۶۱۶۶ مورخ ۱۳۸۱/۶/۱۶ در خصوص نامه ۱/۴۶۰۵ مورخ ۱۳۸۱/۶/۲ دانشگاه علامه طباطبایی، بدینوسیله اعلام ارد:

«شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در سیزدهمین جلسه سال جاری در ۱۳۸۱/۱/۱۵ با توجه به سیاستهای مجموعه شهری تهران، مقرر نمود تجمیع این دانشگاه علامه طباطبایی در خارج از مجموعه شهری تهران انجام پذیرد.»  
معاون شهرسازی و معماری و دبیر شورای عالی شهرسازی - پیروز حناچی

۳۸۲۸۳/ ت ۲۷۴۷۰هـ

تصویب نامه در مورد تعیین استاندار قم

کشور

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۸/۵ بنا به پیشنهاد شماره ۷۰۰۶۵/۱/۱۱ خ ۱۳۸۱/۸/۵ وزارت کشور و به استناد ماده (۳) مصوبه شماره ۱۲/۶۰۲ شورای عالی اداری تصویب نمود:  
آقای سیدحمید طهایی به عنوان استاندار قم تعیین می شود.

معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف

۳۸۲۸۵/ ت ۲۷۴۷۱هـ

تصویب نامه راجع به تعیین استاندار اردبیل

کشور

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۸/۵ بنا به پیشنهاد شماره ۷۰۰۷۰/۱/۱۱ خ ۱۳۸۱/۸/۵ وزارت کشور و به استناد ماده (۳) مصوبه شماره ۱۲/۶۰۲ مورخ ۱۳۷۷/۷/۳ شورای عالی اداری تصویب نمود:  
آقای سیدجواد نگارنده به عنوان استاندار اردبیل تعیین می شود.

معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف

هـ/۱۰۹/۷۸

تاریخ ۱۳۸۱/۷/۷ شماره دادنامه ۲۳۶  
کلاس پرونده ۱۰۹/۷۸

مرجع رسیدگی: هیات عمومی دیوان عدالت اداری.  
شاکی: آقای مهدی هادی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال موادی از آیین نامه اصلاحی آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۷۳/۷/۱۶ وزارت جهادسازندگی.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: در ماده واحده تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع ب ۱۳۶۷ آمده است «زارعین صاحب اراضی نسقی و مالکین و صاحبان باغات و سات در خارج از محدوده قانونی شهرها و حریم روستاها، سازمانها و مؤسسات ب که به اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور ب ۱۳۴۶ و اصلاحیه های بعدی آن اعتراض داشته باشند می توانند به هیاتی باز ۱- مسئول اداره کشاورزی ۲- مسئول اداره جنگلداری ۳- عضو جهادسازندگی ضو هیات واگذاری زمین شایک نفر قاضی دادگستری ۴- برحسب مورد دونفر ناء شورای اسلامی روستا یا عشایر مربوطه مراجعه نمایند. این هیات در هر ستان زیر نظر وزارت کشاورزی یا حضور حداقل ۵ نفر از ۷ نفر رسمیت یافته و پس لام نظر کارشناسی هیات، رای قاضی لازم الاجراء خواهد بود. مگر در موارد انه شرعی مذکور در مواد ۲۸۴ و ۲۸۴ مکرر آئین دادرسی کیفری» در آیین نامه حی که وزیر جهادسازندگی در سال ۱۳۷۳ برای قانون تعیین تکلیف اراضی یفی تصویب کرده در تبصره دوم ماده ۴ آن به سازمان جنگلها و مراتع کشور و ت کل آن اجازه داده که از نحوه اجرای قانون ملی شدن جنگلها و مراتع و نجات بعدی آن به کمیسیون مزبور اعتراض نماید. یعنی همان حقی که در قانون ۱۳۴۶ به سازمان جنگلانی داده شده بود که بموجب آن می توانست به تشخیص اعتراض کند و بعداً به موجب قانون سال ۱۳۴۸ حذف گردید بدون مجوز قانونی جهادسازندگی آنرا احیاء کرده است و شگفت آور اینکه در عمل یا را فراتر نهاده و ی کمیسیون ماده ۵۶ که قطعی می باشد اعتراض می کند و مالکین را که سالها حکم قطعی گرفته و از نظر حقوقی امر مختومه است دچار تشویش کرده است. «براین مورد بررسی دیگر از مقررات این آیین نامه خلاف قانون است که ذکر بود. ماده ۷ «قاضی هیات منحصرأ با ملاحظه نظر کارشناسی هیات رای نهائی را صادر می نماید. رای قاضی لازم الاجراء است و از طریق دبیرخانه هیات برای

اجراء به مراجع ذیربط ارسال می گردد. این ماده برخلاف اصل ۱۶۷ قانون اساسی است و نه تنها آیین نامه که قانون نیز نمی تواند به قاضی دستور بدهد از نظر کارشناس یا هیات تبعیت کند. ماده ۹ «رای قاضی طبق قانون تجدیدنظر احکام دادگاهها و تغییرات بعدی آن قابل اعتراض و تجدیدنظر خواهی است، تجدیدنظر مایع اجرای رای قاضی نخواهد بود.» این ماده نیز صحیح نیست. زیرا به شکایت از رای قاضی عرفاً اعتراض گفته می شود نه تجدیدنظر و رای دادگاه درباره آن قابل تجدیدنظر است (رای وحدت رویه ۶۰۱ مورخ ۱۳۷۴/۵/۲۵ دیوانعالی کشور) علاوه بر این اطلاق قابل اجراء بودن حکم قبل از قطعیت صحیح نمی باشد. ماده ۱۲ و تبصره آن که معترض را مکلف به پرداخت هزینه دادرسی کرده و میزان آنرا نیز معین نموده است برخلاف دواصل ۵۱ و ۵۳ قانون اساسی و برخلاف قانون است. مادتهای ۱۴ و ۱۹ نیز همین اشکال را دارد. ماده ۱۷ که برای مأمورین متخلف حداکثر مجازات را پیش بینی کرده است خارج از حدود ماده واحده است و مجازات و چگونگی آنرا بنا به اصل ۳۶ قانون اساسی فقط قانون می تواند تعیین کند. علیهذا درخواست دارم موارد مذکور مورد بررسی قرار گرفته، حکم به ابطال آن داده شود. مدیرکل امور حقوقی وزارت جهاد کشاورزی در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۵۹۴/ک مورخ ۱۳۸۱/۶/۱۹ مبادرت به ارسال تصویر نامه ۶۷/۱۷۴۱۳ مورخ ۸۱/۶/۳ مدیرکل منابع طبیعی استان تهران نموده است. در نامه مزبور آمده است: ۱- در خصوص اعتراض به تبصره ۲ ماده ۴ آیین نامه اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع کشور مصوب ۱۳۶۷/۶/۲۲ اذعان می دارد، پیش بینی اعتراض نسبت به تشخیص مأمورین جنگلانی از سوی سازمان بدین دلیل صیغه قانونی یافته است که با توجه به موارد رخ داده و جلوگیری از اشتباهات مأمورین ذیصلاح سازمان وقت جنگلانی، قانونگذار قصد به حداقل رساندن ضریب خطا در تشخیص را داشته و محتمل است مأمورین سازمان در تشخیص منابع ملی اشتباه نموده و حقوق دولت و انفال را رعایت نمایند؛ نکته قابل توجه آن است که ماده واحده مذکور قید اطلاق داشته و حصری نمی باشد؛ بنابراین از قید سازمانها و مؤسسات دولتی در متن ماده واحده اینگونه مستفاد می گردد که سازمان جنگلها و مراتع کشور به عنوان یکی از مصادیق مزبور حق اعتراض به اجرای ماده ۵۶ را داشته و تبصره ۲ ماده ۴ آیین نامه نیز از این حیث درج شده که چون صریحاً اعتراض ادارات کل منابع طبیعی نسبت به تشخیص موضوع ماده ۵۶ پیش بینی شده است. ۲- در خصوص ماده ۷ آیین نامه اجرایی ماده واحده مذکور که اشعار می دارد «قاضی هیات منحصرأ با ملاحظه نظریه کارشناسی هیات رای نهائی خود را صادر می نماید...» منظور مقنن به هیچ عنوان این مطلب نیست که قاضی هیات بر اساس نظریه کارشناسان هیات رای صادر نماید. بلکه قاضی صرفاً صورت جلسه هیات کارشناسی را مورد ملاحظه و بررسی قرار داده و با لحاظ مراتب دیگر همچون مشاهده محل و بررسی کلیه سوابق مبادرت به انشاء رای می کند. منظور مقنن تلویحاً این مطلب است که قاضی هیات به جهت جلوگیری از اطاله دادرسی اقدام دیگری به عمل نیابد ولی چنانچه تشخیص دهد درخواست تحقیقات و بررسیهای بیشتری را خواهد نمود و از این حیث اشکالی بر ماده مارالذکر وارد نیست. ۳- در خصوص قسمت سوم ماده ۷ آیین نامه که دایر بر لازم الاجراء بودن رای قاضی هیات می باشد این توضیح قابل توجه و مدافعه است که در قوانین مقرر کلیه آراء صادره از سوی قاضی قطعی و لازم الاجراء بوده مگر آن که در شرایطی که در قانون پیش بینی شده قابلیت تجدیدنظر خواهی برای آن وجود داشته و در خصوص مورد نیز ماده ۹ آیین نامه که مورد اشکال شاکی محترم است مورد اعتراض و تجدیدنظر را مشخص نموده و اشاره مبهم ایشان به رای وحدت رویه شماره ۶۰۱ مورخ ۱۳۷۴/۷/۲۵ نیز تحصیل حاصل بوده و اصولاً بدین نکته توجه ننموده اند که صدور رای وحدت رویه اخیر مستند به فعل ادارات منابع طبیعی نبوده بلکه از باب جلوگیری از تشتت آراء صادر شده است. ۴- ماده ۱۲ آیین نامه بنابر رای وحدت رویه دیوان عدالت اداری منسوخ شده و شاکی محترم بدون تدقیق و کنکاش در زمینه مسئله ای که مورد شکایت است و بر مبنای پیش فرض و ذهنیت خاص خود مبادرت به تقدیم شکوائیه نموده است. ۵- در خصوص ماده ۱۷ آیین نامه نیز صرفاً به این حد بسنده می گردد که به ایراد شاکی در قسمت اخیر ماده مارالذکر پاسخ شایسته داده شده و قانون را محجر مجازات تلقی نموده است و چگونگی آن نیز در قانون پیش بینی شده است چه جرم عمومی باشد چه تخلفات اداری. هیات عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رای می نماید.

رای هیات عمومی

الف- اطلاق حکم مقرر در تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۶۷ مفید تری و تعمیم آن به کلیه سازمانها و مؤسسات دولتی است. بنابراین مفاد تبصره ۲ ماده ۴ آیین نامه اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون فوق الذکر که به سازمان جنگلها و مراتع